



▲  
آگوست ۲۰۰۹، تجمع هواداران  
عبدالله عبدالله. در این  
انتخابات کرسی با تقلبی گسترده  
پیروز شد.

فروختند. برخی هم قبل از نابود کردن بوته‌های خشخاش، شیره آن را گرفتند و در کل، از یک محصول دوبار کسب سود کردند.

با افزایش حملات و بمبگذاری‌های انتحاری از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، نیروهای ویژه آمریکایی مبارزه با مواد مخدر به این نتیجه رسیدند که منافع حاصل از تجارت تریاک به شورش دامن می‌زند و طالبان از مواد مخدر سود می‌برد، به همین خاطر باید جلوی تجارت مواد مخدر را گرفت. چندماه بعد، یعنی سپتامبر ۲۰۰۵، تلگراف محرمانه نویمان، سفیر آمریکا به مقامات واشنگتن رسید: «با وضعیت رو به رشد کشت مواد مخدر و فساد ناشی از آن، اوضاع از کنترل خارج می‌شود. انبوه پول غیرقانونی حاصل از این صنعت، می‌تواند دولت را در نطفه خفه کند.» ایالات متحده با اعلام تریاک به عنوان دشمن، عملاً در جنگ افغانستان جبهه دومی گشود. آنها تصمیم گرفتند سالانه یک میلیارد دلار برای عملیات در این زمینه کنار بگذارند.

در مارس ۲۰۰۶، آمریکا و افغانستان در یک عملیات مشترک به نام «رقص رودخانه»، با ناوگانی از تراکتور و لشکر کوچکی از کارگران چماق‌دار، به مزارع کشت خشخاش در ولایت هلمند هجوم بردند تا مزارع و بوته‌های خشخاش را از روی زمین ریشه کن کنند. مقامات آمریکایی این عملیات را فوق‌العاده اعلام کردند، اما در اسناد دیپلماتیک و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، مقامات آمریکایی این عملیات را «فاجعه‌ای با برنامه‌ریزی ضعیف» توصیف کردند. آنها گفتند: «تراکتورهایی که قرار بود خشخاش‌ها را له کنند، در مزارع فرورفتند. بولدوزرها و خودروهای نظامی خراب شدند و رویکرد چماق‌زنی خشخاش‌ها هم ناکارآمد بود.» اما چرا این طرح ناموفق بود؟

اولاً، چند روز بعد و با شکوفاشدن گل‌های خشخاش، بسیاری از تیم ریشه‌کن‌کننده خشخاش،